



داکتر سید عبدالله کاظم

15 جولای 2016

بیانیه تاریخی شهید محمد داؤد: «خطاب به شهریان هرات» (به مناسبت چهل و سومین سالگرد اولین نظام جمهوری در افغانستان)

از کودتای "سفید" 26 سرطان 1352 که منجر به سقوط نظام سلطنتی و اعلام جمهوری در کشور گردید، اکنون چهل و سه سال می گذرد. این نظام بعد از پنج سال و نه ماه بوسیله کودتای خونین 7 ثور 1357 ظاهراً بدست حزب دیموکراتیک خلق (خلق و پرچم)، اما در واقع به هدایت و حمایت غیرقابل انکار شوروی سقوط کرد و در اثر آن اولین رئیس جمهور کشور محمد داؤد با جمله آل و بیتش در صبح 8 ثور بدست دشمنان وطن بطور بسیار ظالمانه و فجیع به شهادت رسیدند. از آن به بعد افغانستان و مردم آن دیگر روی آرامی ندیدند و این مصیبت دوامدار تا هنوز که هنوز است، به نحوی ادامه دارد.

به مناسبت اعلام اولین نظام جمهوری در کشور که هنوز هم بحث های متفاوت در باره آن جریان دارد و نظریات برله و برعلیه آن چه در اوراق تاریخ این چند دهه اخیر و چه در بین سیاسیون و مؤرخان معاصر ابراز میگردد، خواستم با اقتباس یک بیانیه تاریخی شهید محمد داؤد "خطاب به شهریان هرات" یک گوشه دیگر از رویداد های تاریخ معاصر را روشن سازم. اهمیت این بیانیه را اکثر مؤرخان افغان تنها به ذکر یکی دو جمله آنهم به ارتباط "اجتناب از ایدئولوژی های وارده شده در کشور و تأکید بر یک ایدئولوژی ملی" بیان کرده اند و متأسفانه متن مکمل آن تا اکنون به استثنای یک مأخذ، در دیگر مأخذ قابل دسترسی نبوده است. چندی قبل در جمعی از دوستان این موضوع مطرح گردید و تصادف از جمله یکی - محترم آقای عظیم عظیمی گفت نشریه ای از آنوقت بنام "دافغانستان جمهوریت"، از انتشارات وزارت اطلاعات و کلتور را در اختیار دارد که احتمالاً این بیانیه در آن به نشر رسیده باشد. روز بعد متن آنرا در صفحه فیسبوک خود به نشر سپرد.

خوشحالم که همین حالا این نشریه حاوی بیانیه ها و مصاحبه های شهید محمد داؤد خان از سرطان 1353 تا سرطان 1354 در 300 صفحه به زبانهای دری و پشتو در دسترس قرار دارد و به استناد آن میخوام متن این بیانیه تاریخی «خطاب به شهریان هرات» را خدمت علاقمندان موضوع با شرحی پیرامون آن تقدیم دارم. اما قبل از آن لازم به تذکر میدانم که محمد داؤد خان رئیس دولت و صدراعظم افغانستان از تاریخ 6 تا 10 ثور 1354 بنا به دعوت رسمی پادشاه ایران به آن کشور سفر کرد و پس از ختم سفر بوسیله هلیکوپتر بتاريخ 11 ثور به مقصد دیدار با همشریان هرات به آن ولایت آمد و در جم غفیری که از وی بطور شاندار استقبال کردند، به سخنرانی پرداخت و پس از اقامت دو روزه رهسپار کابل گردید.

د پانو شمیره: له 1 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ



شاهلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم عتکامیکه درستدیوم شهر هرات اعالی هرات رامورد خطاب فرار دادند.

متن سخنرانی شهید محمد داؤد در هرات:

برادران عزیز!

شهریات هرات!

خواهران، برادران و جوانان و پیران شهر باستانی هرات سلام!

از استقبال نهایت گرم و صمیمی که از یک خدمتگار خود می‌کنید، کلماتی ندارم که این احساسات پرحرارت و پرجوش شما را جواب داده بتواند، غیر از اینکه از صمیم قلب از شما برادران، شما خواهران و اهالی هرات اظهار تشکر و سپاسگزاری نمایم.

برادران!

البته وظیفه من بود که خدمت شما برادرها پیشتر ازین میرسیدم و واقعاتی که در مملکت گذشت، توضیحاتی میدادم. اما فکر کردم که وظایف اولی انقلاب در آنست تا در تأمین امنیت، استحکام و استقرار نظام نوین جمهوریت و بالاخره در جستجوی طرقی برای سعادت و بلند بردن سویه ملت افغانستان کوشش کنم، چه وظایف سنگین بدوش ما بوده و است تا قدم های بنیادی و اساسی را برای رفع مشکلات وطن و مردم محروم خود برداریم.

اهالی عزیز هرات!

پس از سپری شدن تقریباً دو سال برای شما خواهران و برادران و تمام مردم افغانستان به لطف و مرحمت خدا (ج) و پشتیبانی مردم افغانستان اطمینان داده میتوانم که قدمهای اساسی که از طرف دولت جمهوری برداشته شده، انشاءالله آینده بسیار اطمینان بخش و روشنی را برای مردم این خاک نوید میدهد.

د پانو شمیره: له 2 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

خواهران و برادران!

وقتیکه من قدمهای بنیادی و اساسی میگویم، همه چیز آن متناسب با امکانات مالی و همکاری مردم افغانستان است. از اینرو این طور اطمینان دادن که در یک روز یا یکسال یا چند سال همه مشکلات حل میگردد، مبالغه کرده خواهیم بود و اگر شما هم فکر کنید که در یک سال مملکت آباد میشود، مبالغه خواهد بود. پس سعادت یک مملکت مربوط به همت عالی مردم آنست. اگر نزد مردم آن یک ایدیالوژی و یک مفکوره ملی توأم با از خودگری، حس فداکاری و ایثار موجود باشد، بدانید که آن ملت به یاری خدای بزرگ روزی به هدف نهائی خود خواهد رسید.

باید بدانیم در این دنیایی که ما و شما زیست میکنیم، یک مملکت نمیتواند بحال فقر، فلاکت و غربت بسر ببرد. امروز هر فردیکه خود را اولاد این خاک میدانند و ذره عشق و علاقه بوطن دارد، وظیفه اساسی، ایمانی و وجدانی او است که برای سعادت افغانستان به طیب خاطر قربانی دهد تا نسلهای آینده سرفراز و آسوده زندگی کرده بتوانند. تا این نسل برای سعادت ملی خود را قربان نکند و تا این نسل از خود غرضی ها و خودخواهی ها نگذرد و تا روزیکه به حیث یک برادر بدون تبعیض، به حیث یک ملت دور هم جمع نشوند و متحد نشوند، تا آنزمان سرنوشت شان خوار و زار خواهد بود.

جوانان عزیز!

برای شما خطاب میکنم!

برای اینکه سرنوشت آینده این وطن بدست شماست، اگر خواسته باشید یا نخواسته باشید، قهرماً مکلف هستید سرنوشت آینده این خاک را بدست خود بگیرید.

پس ای جوانان عزیز و ای فرزندان عزیز!

خود را آماده خدمت سازید، و وقتی شایسته خدمت شده میتوانید که علم بیاموزید و صاحب یک ایدیالوژی ملی و وحدت فکر و عمل باشید.

برادران!

ایدیالوژی های وارد شده هیچگاه به تنهایی به درد یک ملت نمیخورد. ملت مرد و قهرمان آن ملتی است که از آن همه ایدیالوژی ها از همه دنیا چیزهای بهتری که موافق با عنعنات ملی، منافع ملی و معتقدات دینی آن باشد، استخراج و جمع اوری نموده، به فکر و دماغ خود برای خویشتن و وطن خویش ایدیالوژی نوی را خلق کند که در پرتو آن راه سعادت و اعتلا را ببیند.

فرزندان عزیز!

باز هم برای شما میگویم و این را کاملاً به قلب خود داشته باشید که خواسته باشید یا نه، سرنوشت این ملت قهرماً بدست شماست. خوشا بحال ملتی که جوانان فهمیده با دین و ایمان داشته باشد. لذا به شما جوانان میگویم که وظایف نهایت سنگین دارید و باید مسئولیت خود را درین راه خوب احساس کنید. چه کسی که مسئولیت را قبول نمیتواند، آنرا نیز انجام داده نمیتواند. پس شما باید به آینده وطن تان فکر کنید، محرومیت های کشور را مطالعه کنید، دردهای افغانستان را بدانید. این وطن برای خوش گذرانی یک طبقه خلق نشده است و زندگی یک ملت مربوط به یک طبقه خاص نیست، بلکه مربوط به قاطبه مردم آنست که ملت را تشکیل میدهد. تا وقتیکه ملت راضی نباشد، از حکومت پشتیبانی نکند، هیچ زمامدار، هیچ حکومت و هیچ دولت حتی سنگی را بالای سنگی گذاشته نخواهد توانست. شما یقین

د پانو شمیره: له 3 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لوی

داشته باشید که امروز بزرگترین و مقدس ترین وظیفه انقلاب دولت جمهوری اینست و خواهد بود که ما چطور و به چه صورت برای قاطبه ملت خویش خدمت کرده و شکل زندگی شانرا بهتر کرده میتوانیم. هدف ما هدف مقدس است و اینکار دشوار از قدرت یک شخص بیرون است. وقتی این هدف عالی برآورده شده میتواند که هدف خود، درد خود و مقصد خود را تشخیص کرده بتوانیم و بدون تبعیض به حیث برادر و برابر به سر منزل مقصود برسیم.

اهالی عزیز هرات!

امروز ملتفت هستیم و رفقای ما ملتفت هستند که از طرف دشمنان خارجی افغانستان چه دروغ ها گفته میشود و چه کلمات توهین آمیز استعمال میگردد. این برای آنست که ذهنیت مردم افغانستان را خراب کند. اما ما از هیچ چیز باکی نداریم، تا روزیکه راه ما حق است و تا وقتی که در راه خدمت این خاک و ملت عزیز افغانستان گام می برداریم، این سخنان بی معنی مؤثر نیست و خواهران و برادران ما در همه امور اول توفیق خدای بزرگ و بعد پشتیبانی ملت نجیب افغانستان را میخواهیم. تا وقتی که توفیق خدا و پشتیبانی ملت باشد، به اهداف مقدس خود می رسیم.

طوری که اطلاع دارید من از یک مسافرت رسمی از کشور دوست و برادر خود ایران آمدم. بشما میگویم که با تمام مهمان نوازی و صمیمیت دولت و مردم ایران پذیرائی شدیم، همه آن برای داؤد نبود، بلکه برای نماینده دولت و ملت افغانستان بود. پس باید بدانید که قدرت حقیقی ملت است، نه شخص. دعا میکنم که خداوند به رفقا و به همه خدمتگاران توفیق عنایت کند که به راستی و ایمانداری بوطن خود خدمت نمایند و به راستی کمر همت بکار بندند. بدون کار و زحمت یک ملت بجائی نمیرسد، یک ملت نباید مفت خوار باشد. تا وقتی که یک ملت خود را کمک نکند، نمیتوان از آن توقعی داشت، پس همه چیز در دست خود ماست. خدای بزرگ این حس را در نهاد هر فرد وطن ما جا گزین بماند که سرزمین خود را، سرزمین آباد سازند تا نسل های آینده به آن افتخار نمایند.

شهریان عزیز هرات، خواهران و برادران و جوانان!

از صمیم قلب از پذیرائی و از صمیمیت گرم شما تشکر میکنم و از خدای بزرگ استدعا مینمایم به همه ما توفیق اعطا نماید که با ایمان و عقیده کاملی که داریم، پایدار بمانیم. والسلام

(پایان بیانیه)

در این بیانیه کوتاه که برای مردم با شیوه بسیار ساده و عبارات واضح ایراد شد، رئیس دولت و صدراعظم به چند نکته بسیار مهم اشاره کرد و گفت:

- 1 - وظایف اولی انقلاب در آنست تا در تأمین امنیت، استحکام و استقرار نظام نوین جمهوریت و بالاخره در جستجوی طرقي برای سعادت و بلند بردن سوئے ملت افغانستان کوشش کنیم.
- 2 - اطمینان دادن که در یک روز یا یکسال یا چند سال همه مشکلات حل میگردد، مبالغه خواهد بود و اگر شما هم فکر کنید که در یک سال مملکت آباد میشود، مبالغه خواهد بود.
- 3 - جوانان! سرنوشت آینده این وطن بدست شماست، اگر خواسته باشید یا نخواستید، قهراً مکلف هستید سرنوشت آینده این خاک را بدست خود بگیرید.

د پانو شمیره: له 4 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

4 - جوانان! وقتی شایسته خدمت شده می‌توانید که علم بی‌موزید و صاحب یک ایدیالوژی ملی و وحدت فکر و عمل باشید.

ایدیالوژی‌های وارد شده هیچ‌گاه به تنهایی به درد یک ملت نمی‌خورند. ملت مرد و قهرمان آن ملتی است که از آن همه ایدیالوژی‌ها از همه دنیا چیزهای بهتری که موافق با عنعنات ملی، منافع ملی و معتقدات دینی آن باشد، استخراج و جمع‌آوری نموده، به فکر و دماغ خود برای خویشتن و وطن خویش ایدیالوژی‌نوی را خلق کند که در پرتو آن راه سعادت و اعتلا را ببیماید.

5 - کسی که مسئولیت را قبول نمی‌تواند، آنرا نیز انجام داده نمی‌تواند.

6 - تا این نسل برای سعادت ملی خود را قربان نکند و تا این نسل از خود غرضی‌ها و خودخواهی‌ها نگذرد و تا روزیکه به حیث یک برادر بدون تبعیض، به حیث یک ملت دورهم جمع نشوند و متحد نشوند، تا آنزمان سرنوشت‌شان خوار و زار خواهد بود.

7 - تا وقتیکه ملت راضی نباشد، از حکومت پشتیبانی نکند، هیچ زمامدار، هیچ حکومت و هیچ دولت حتی سنگی را بالای سنگی گذاشته نخواهد توانست.

8 - امروز ملت‌ت هستیم و رفقای ما ملت‌ت هستند که از طرف دشمنان خارجی افغانستان چه دروغ‌ها گفته می‌شود و چه کلمات توهین‌آمیز استعمال می‌گردد. این برای آنست که ذهنیت مردم افغانستان را خراب کند. اما ما از هیچ چیز باکی نداریم، تا روزیکه راه ما حق است و تا وقتی که در راه خدمت این خاک و ملت عزیز افغانستان گام می‌برداریم، این سخنان بی‌معنی مؤثر نیست.

9 - تا وقتیکه توفیق خدا و پشتیبانی ملت باشد، به اهداف مقدس خود می‌رسیم.

10 - بدون کار و زحمت یک ملت بجائی نمی‌رسد، یک ملت نباید مفت خوار باشد. تا وقتیکه یک ملت خود را کمک نکند، نمیتوان از آن توقعی داشت، پس همه چیز در دست خودماست.

از جمله ارشادات فوق در این بیانیه موضوع داشتن یک ایدیالوژی ملی و اینکه ایدیالوژی‌های وارد شده به تنهایی بدرد نمی‌خورند، انعکاس بسیار وسیع در حلقه‌های احزاب افراطی چپ و راست که در داخل کشور بخصوص در دهه دموکراسی عمیقاً ریشه دوانیده بودند، پدید آورد که آنها از همان بدو مرحله و متعاقب با موفقیت کودتا با دو شیوه متفاوت در برابر نظام جدید موفق گرفتند:

در شروع جمهوریت، حزب دیموکراتیک خلق (خلق و پرچم) از نظام جمهوری حمایت کرد و کوشید تا به دلیل اشتراک یک تعداد از وابستگان‌شان در کودتا چنان وانمود کند که گویا نظام بدست آنها می‌چرخد و بدانوسیله خواستند پایه‌های خود را در نظام جدید مستحکم سازند و مردمی را که درحاشیه قرار داشتند، به سمت خود اغوا نمایند، چنانکه در اینکار در شروع جمهوری تا حدی هم موفق شدند.

اما احزاب راست افراطی با ریشه‌های اخوانی که طی سالهای دهه دموکراسی از جانب عربستان سعودی و برخی حلقه‌های دیگر در پاکستان و ایران تقویه می‌شدند، با این ادعا که گویا در این کودتا دست دراز شوروی از آستین محمد داؤد خان دراز شده است، با نظام جمهوری به مخالفت پرداختند. لذا آنها بیشتر به تحریک و حمایت پاکستان بر علیه نظام دست به اقدامات زدند، تا حدی که بعضی از آنها به روی دختران تیزاب پاشیدند و شبنامه‌ها نشر کردند. وقتی مقامات حکومتی به تعقیب آنها برآمد و چند

نفر را زندانی و احتمالاً یکی هم به نحوی کشته شد، تعدادی دیگر آنها به پاکستان فرار کردند و زیر حمایت آی اس آی نخست برای سرنگونی نظام و راه اندازی کودتا اقدام کردند، چون به آن موفق



پنا غلی رئیس دولت وحدت ملی از بی نظیر حجازی یعنی سنگ عفت قلم
۱۰ د ش ات بدقت منگوانه

نشدند، دست به عملیات نظامی در چند شهر زدند، چنانچه قیام پنجشیر و لغمان در اخیر سرطان و اول اسد 1354 شاهد آن است که به ناکامی منجر گردید.

محمد داؤد خان از اول متوجه این وضع بود که نظام جدید در بین دو جناح متخاصم چپ و راست افراطی در حال کشمکش است و جناح چپ به کمک و حمایت غیرمستقیم شوروی بطور ملموس میکوشد زیر سایه نظام به قلع و قم مخالفان خود بپردازد و نظام را در پنجه خود اسیر سازد. محمد داؤد خان که با هیچ یک از این جناح های افراطی سازگار نبود و هدفش در کودتا نیز آوردن یک نظام دارای موقف وسط مبتنی بر «یک ایدیالوژی ملی موافق با عنعنات ملی، منافع ملی و معتقدات دینی» بود، پس از آنکه به قدرت گرائی جناح چپ در داخل نظام و نیز عملیات تخریبی جناح راست به تحریک پاکستان در کشور متیقن گردید، تصمیم گرفت تا نفوذ جناح چپ را از داخل نظام با تصفیه یک تعداد منسوبین آن جناح در کابینه محدود سازد. طی این تصفیه در قدم اول سه وزیر منسوب به شاخه

د پانو شمیره: له 6 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

پرچم هریک فیض محمد وزیر داخله، پاچاگل وفادار رئیس قبایل و عبدالحمید محتاط وزیر مخابرات را که هر سه در کودتای 26 سرطان سهیم بودند، از وظایف شان برکنار کرد و یکی بعد دیگری سفارت ها گماشت. به تعقیب آن به تصفیه "پرچمی های نقاب پوش" که روابط نزدیک با داکتر حسن شرق داشتند و ظاهراً خود را "غیرسازمانی" و اما در واقع از زیر زمین علیه نظام به نفع آینده خود در حال نقب زنی بودند، نیز از کار سبکدوش و بجای آنها اشخاص غیر سازمانی و مورد اعتماد خود را مقرر کرد، از جمله: جیلانی باختری وزیر زراعت و نعمت الله پژواک وزیر معارف را در سطح کابینه برکنار نمود و شاه محمد دوست، عبدالهادی مکمل، عبدالرازق عابدی، ضمیر صافی و بعضی دیگر را از وزارت خارجه به مقام های غیرمهم تبدیل کرد که هر کدام این ها بعداً در دوران رژیم خلقی و پرچمی به دلیل وابستگی شان به آن حزب به مقامات عالیله نائل آمدند.

محمد داؤد خان از نفوذ روزافزون شوروی در افغانستان بسیار فراتر از دوره صدارتش، بخصوص در دوره دهه دموکراسی و نیز در آغاز جمهوری با فعالیت مزید هوادارن شوروی زیر چتر نظام جدید بسیار نگران بود و آینده را در خطر میدید، لذا تلاش داشت تا سیاست بیطرفی فعال خود را عملاً با توازن بخشیدن بین شرق و غرب و مساعد ساختن شرایط برای رسیدن به اهداف اقتصادی (منعکس در پلان هفت ساله) با کشورهای غربی از جمله ایالات متحده امریکا و کشورهای اسلامی، بخصوص دو همسایه ایران و پاکستان و نیز با کشورهای عربی، خاصتاً کشورهای خلیج به موزانه بکشاند. این روش او موجب شد تا شوروی بر او مظنون گردد و ادامه سیاست او را با منافع دیرینه شوروی در افغانستان در تضاد یابد. مقامات شوروی کوشیدند تا در برابر این سیاست محمد داؤد خلقی ها و پرچمی ها را به حیث عامل فشار بیشتر فعال سازند.

با این وضع جناح پرچم کوشید تا بار تخریب نظام را به دوش جناح خلق بیندازد و خود را همچنان به حیث حامی و دوست نظام جمهوری جلوه دهد. در اینکار داکتر حسن شرق که تاهنوز مرد درجه دوم نظام بود، بسیار ماهرانه به نفع پرچم این بازی را پیش برد و همه تلاش او بر آن بود تا اعتماد رئیس دولت و صدراعظم را کمافی السابق به خود جلب دارد و خود را بازهم زیر سایه نظام پنهان نماید. اما محمد داؤد خان از تلاش های شوروی مبنی بر ایجاد وحدت بین این دو جناح کاملاً آگاه و سخت نگران بود و در این راستا به نیرنگ داکتر شرق نیز پی برده و ظاهراً این نقش "دو رویه" او را به رخش نمی کشید، اما تدریجاً او را، درحالیکه در مقام معاونیت صدارت قرار داشت، عملاً از حلقه نزدیک خود به دور راند. (داکتر شرق در نوشته های اخیر خود به صراحت به این موضوع اشاره های مهم دارد که در موقع لازم به آن خواهیم پرداخت)

با اینحال وقتی محمد داؤد خان متوجه رقابت های داخلی نظام گردید که در آن سه نفر برای جانشینی بعد از او باهم در رقابت اند و هریک برای خود در حال زمینه سازی و گسترش نفوذ میباشد، خواست موقف خود را در این راستا بدون آنکه حرفی به زبان آورد، در عمل نشان دهد.

در رقابت جانشینی بین سه نفر (یعنی داکتر شرق معاون صدارت، جنرال غلام حیدر رسولی وزیر دفاع و سیدعبدالاله وزیر مالیه) کسیکه خود را مستحق درجه اول میدانست، داکتر حسن شرق بود که درپناه پرچم و بناً به حمایت شوروی از موفقیت در آینده مطمئن معلوم می شد و اما جنرال رسولی به حیث وزیر دفاع می کوشید تا با جلب و جذب عناصر در اردو برای خود این پشتوانه را تدارک کند، درحالیکه سیدعبدالاله به حیث یک جوان سرسپرده حتی به صفت "پسرخوانده" رئیس دولت خود را مسح جانشینی بعد محمد داؤد خان میدانست.

از آنجائیکه داکتر حسن شرق از یکطرف زیر تأثیر پرچم از سیاست متمایل به غرب و کشورهای اسلامی رئیس دولت راضی نبود و نیز تشنید روابط با همسایگان را به نظر انتقادی میدید و با آن چندان همسوئی نشان نمیداد و از طرف دیگر با شخصیت های دیگر نظام که در اثر تصفیه جای پرچمی ها را گرفته بودند، در کشمکش قرار داشت، بخصوص با وحید عبدالله، عزیز الله واصفی، انجیر عطائی و عده ای دیگر (چنانکه داکتر شرق در یادداشتهای اخیر خود به وضاحت اعتراف میکند که او در طول سال 1355 از بسا تحولات مهم نظام بیخبر نگهداشته میشد و این خود دلیلی است که بر مضمونیت بر او از اواخر 1354 آغاز گردیده بود و با سیاست "کج دار و مریز" با او پیش آمد می شد) ، محمد داؤد خان به این نظر رسید که باید این معضله را به نحوی حل کند که به اصطلاح "هم لعل بدست آید و هم دل یار [بسیار] نرنجد". لذا تصمیم گرفت تا داکتر شرق را با ملایمت و دوستی در ماه ثور 1356 به حیث سفیر کبیر افغانستان در توکیو مقرر کند و نیز به تعقیب او ضیاء مجید قوماندان گارد جمهوری را که از نزدیکان شرق و نزدیک با پرچم نیز به حیث آتشه نظامی به هند بگمارد.

آنچه محمد داؤد خان در بیانیه خود در هرات مبنی لزوم یک ایدیالوژی ملی و دوری گزیدن از ایدیالوژی های وارد شده بیان کرد، در حقیقت صاعقه بود که هم احزاب چپ افراطی و راست افراطی و هم کشورهای حامی آنها را به شور انداخت. البته به تعقیب آن نرمش با ایران و پاکستان موجب خشم مزید جناح های چپ و سازمان دادن مجدد آن ها زیر یک چتر بوسیله عمال سفارت شوروی و هدایت مقامات عالیله آن کشور گردید.

در داخل نظام بعد از تصفیه جناح چپ دو مشکل باقی ماند: یکی تصفیه هواداران این جناح در اردو و دیگر انشعاب داخلی بین شخصیت های داخل نظام که با وجود دور شدن داکتر شرق از صحنه، باز هم این رقابت بین جنرال رسولی وزیر دفاع و سید عبدالاله معاون صدارت که پس از لویه جرگه 1355 و انتخاب محمد داؤد خان به حیث رئیس جمهور کشور، موصوف به حیث معاون رئیس جمهور و وزیر مالییه ارتقا کرد، بسیار محسوس بود و در اطراف هر یک آنها اشخاص صاحب قدرت دیگر نیز چسبیده بودند و بر آتش این رقابت هیزم می پاشیدند.

مشکل دیگر در این موقع حساس تلاش برای تشکیل یک حزب میانه و ملی به حیث ضرورت، موضوعی بود که باید در رقابت با احزاب راست و چپ افراطی مطرح می شد. بر اساس دوکتورین محمد داؤد خان که تا رسیدن بیک مرحله رشد اقتصادی و اجتماعی، تعدد احزاب را در کشور پیش از وقت و غیر مفید میدانست و معتقد بود که تا آن مرحله باید یک حزب ملی مبتنی بر «یک ایدیالوژی ملی موافق با عنعنات ملی، منافع ملی و معتقدات دینی» تأسیس و استحکام یابد، لذا تشکیل حزب بنام "ملی غورخنگ" یا "انقلاب ملی" نخست در اواخر 1354 بطور غیر رسمی سرزبانها افتاد و بعداً با توظیف چهار وزیر، (هریک: داکتر عبدالمجید وزیر دولت، پوهاند عبدالقیوم که بعد از لویه جرگه از وزارت معارف به وزارت سرحدات و قبایل تبدیل و بجایش پوهاند داکتر مجید سراج در وزارت معارف مقرر شد، سید عبدالاله وزیر مالییه و جنرال رسولی وزیر دفاع) مراحل مقدماتی تشکیل این حزب بطور پراکنده و غیر منظم رویدست گرفته شد.

تشکیل این حزب در همان مرحله اول جنجال های تازه را در داخل نظام به وجود آورد و کابینه را به دو جناح تقسیم کرد که در نتیجه آن یک تعداد اعضای کابینه در راس شان وحید عبدالله خواهان استعفی شدند و در اثر وساطت محمد نعیم خان این معضله مؤقتاً حل گردید، ولی انشعاب کابینه عملاً همچنان باقی ماند.

در این حال حساس رئیس جمهور محمد داؤد بعد از لویه جرگه کابینه جدید خود را اعلان کرد که چندان تفاوت از کابینه قبلی نداشت، به استثنای چند نفر معدود و اما در آن هیچیک از هواداران جناح چپ اشتراک نداشتند. تصمیم رئیس جمهور جهت بهبود روابط با ایران و پاکستان قدم دیگری بود که مقامات شوروی را نزدیکتر به اقداماتی ساخت که باید هرچه زودتر به عمر نظام پایان بخشیده شود که بالاخره این تصمیم را بتاريخ 7 ثور 1357 با یک کودتای خونبار به منصفه اجرا گذاشتند و به عمر کوتاه اولین جمهوری کشور پایان بخشیده شد و از آنروز تا اکنون وطن و مردم دچار مصیبت های بی شمار شدند که اوراق سیاه آن درج تاریخ معاصر کشور می باشد.

با اتحاف به روح همه شهدای وطن.

(پایان)

د پانو شمیره: له 9 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښکوي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ